



تقسیم کار «سعودی - صهیونیستی»؛ نقشه از اسرائیل اجرا از عربستان

ناکامی های عربستان و اسرائیل در باتلاق‌های منطقه‌ای و در برابر محور مقاومت این دو را در نقطه مشترک قرار داد تا جایی که به منظور جبران شکست در جبهه‌های مشترک، با یکدیگر علیه مقاومت به ویژه حزب الله همدست شده و تقسیم کار کردند.

به گزارش آران نیوز: ناکامی های عربستان و اسرائیل در باتلاق‌های منطقه‌ای و در برابر محور مقاومت این دو را در نقطه مشترک قرار داد تا جایی که به منظور جبران شکست در جبهه‌های مشترک، با یکدیگر علیه مقاومت به ویژه حزب الله همدست شده و تقسیم کار کردند.

بنا به گزارش روزنامه الثورة سوریه، عربستان و اسرائیل که در شکست‌ها و ناکامی‌های پی‌در پی به ویژه در صحنه سوریه به یک نقطه مشترک رسیده‌اند به منظور جبران این شکست‌ها با یکدیگر علیه مقاومت به ویژه حزب الله همدست شده و بر اساس طرح صهیونیستی سعودی تقسیم کار علیه حزب الله را کلید زدند.

***** دست و پا زدن اسرائیل برای جبران ناکامی‌ها**

اسرائیل در پی شکست در جنگ سال 2000 علیه لبنان در جستجوی راهی برای جبران این ناکامی برآمد در نتیجه مهم ترین کنفرانس نقشه راهبردی موسوم به کنفرانس «هرتزل» را برگزار کرد تا از این طریق بتواند برنامه ای را برای پاسخ به حزب الله طراحی کند.

***** سودای حذف مقاومت از منطقه خاورمیانه**

اسرائیل پس از آن مجموعه اقدامات تجاوزکارانه‌ای را علیه منطقه انجام داد تا در نهایت در سال 2006 بار دیگر لبنان را هدف حمله قرار داد، حال آنکه اسرائیل و تمام حامیان طرح صهیونیستی- آمریکایی از این اقدامات به دنبال زمینه سازی برای تشکیل خاورمیانه مورد نظر آمریکا بودند که در آن مقاومت هیچ جایی نداشته و کسی دیگر فکر مقاومت را در سر نداشته باشد.

اما حزب الله این رویاهای اسرائیلی را نقش بر آب کرده و در این جنگ نیز پیروز را از آن خود کرد.

***** توسل به قدرت نرم علیه ملت های عرب**

به دنبال این شکست، طراحان نقشه استعماری اشغالگرانه به راهبرد قدرت نرم متوسل شدند که نخستین و خطرناک ترین نتایج حاصل از آن آتشی بود که غربی‌ها از آن تحت عنوان بهار عربی یاد کردند و در واقع بهار صهیونیستی- آمریکایی بود که آمریکا و اسرائیل با استفاده از آن به دنبال سرنگونی محور مقاومت بوده و در صدد برآمدن آن را از سوریه کلید بزنند.

***** سه اصلی خط محور مقاومت**

با وجود متوسل شدن سران تجاوز به نقشه های متعدد و تغییر پی در پی راهبردهای خود، سوریه و محور مقاومت و اخیرا نیز روسیه توانستند صحنه ای را ترسیم کنند که مبتنی بر سه خط زیر است:

اول اینکه متجاوزان از عملی کردن اهداف خود ناتوان هستند و سوریه و هویت آن همچنان یکپارچه باقی مانده است.

دوم: محور مقاومت نسبت به پنج سال پیش جایگاه راهبردی و نظامی قدرتمند تری پیدا کرده است.

سوم: وقت به نفع محور مقاومت پیش می رود تا جایی که چیزی که مدعیان حمله به سوریه امروز می توانند علیه آن به زبان بیاورند، فردا به مراتب کمتر و کمتر خواهد بود.

***** ناامیدی هرچه تمام تر دشمنان مقاومت**

به عبارت بهتر نتایج جنگ علیه روسیه و محور مقاومت موجب ناامیدی شدید حامیان حمله به سوریه و مجریان و متحدان آن است و اینجاست که هر کس باید راهی را که مناسب تر و واقعی تر است در پیش بگیرد تا کمتر زیان ببیند.

در این شرایط اردوگاه دشمنی علیه سوریه دستخوش چند دستگی شده است تا جایی که اختلاف و فاصله بین آنان تا آنجا پیش رفته است که این اردوگاه دو پایگاه اصلی پیدا کرده است:

اول: پایگاه کسانی که نگاهی واقع بینانه دارند.

دوم: پایگاه کسانی که واقعیت را نمی پذیرند یا همان اسرائیل و عربستان که از حمایت پنهانی آمریکا نیز برخوردارند.

پنهانی بودن حمایت آمریکا نیز به این معنی است که این کشور در ظاهر به گونه ای که رفتار می کند که خود را سردمدار واقع نگری و حامی راه حل سیاسی در سوریه نشان می دهد.

***** بر باد رفتن رویای راهبردی 15 ساله اسرائیل علیه حزب الله**

در این میان عربستان شکست خود در سوریه را به مثابه شکستی دیگر در سطح اهداف منطقه ای خود می داند، اما اسرائیل نیز این شکست را به مثابه بر باد رفتن رویای راهبردی خود می داند که دست کم از 15 سال پیش یعنی از سال 2000 برای تحقق آن تلاش کرده است.

رویای اسرائیل در تمام این سالها نابودی حزب الله و فروپاشی محور مقاومت بوده است اما شکست در تحقق این هدف در حالی است که به موازات آن توانمندی نظامی حزب الله نیز تقویت شده است.

*** تقویت بازدارندگی مقاومت علیه اسرائیل

نکته قابل ملاحظه اینکه تقویت سطح توانمندی حزب الله تا جایی پیش رفته است که معادله بازدارندگی علیه اسرائیل را تقویت کرده و موجب شد اسرائیل احساس کند که در جنگ علیه حزب الله نمی تواند پیروزی خود را تضمین کند. به عبارت دیگر اسرائیل به ناتوانی خود در جلوگیری از واکنش حزب الله پی برده است.

*** حل و فصل سیاسی بحران سوریه کام اسرائیل و عربستان را زهر کرد

اما احساس تلخ کامی اسرائیل و عربستان از شکست در سوریه زمانی شدت یافت که شاهد بودند بحران این کشور به سمت حل و فصل سیاسی در حرکت است و این به معنی دستاوردهای هرچه بیشتر برای طرف های پیروز و ناکامی دو چندان برای طرف های شکست خورده است.

این شرایط موجب شد طرف هایی که از روند تحولات سوریه بیشترین آسیب را دیده اند، به دنبال راهی باشند که با استفاده از آن بتوانند با شیوه ای جدید به صحنه تحولات سوریه بازگردند تا چه بسا روند این تحولات را زیر و رو کرده و فرصتی برای جبران خسارت ها پیدا کنند و بتوانند مسیر جدیدی بیابند که از این طریق اهداف خود را محقق سازند.

در همین چارچوب هم پیمانی سعودی- اسرائیلی در راستای ارتقای سطح روابط خود در صدد علنی کردن این روبرو برآمدند و از آن خطرناک تر اینکه با این کار طرح صهیونیستی- سعودی علیه محور مقاومت نیز علنی شده و مشخص شد که این طرح در درجه نخست و به طور خاص حزب الله را نشانه رفته است.

به نظر می رسد که طرح صهیونیستی- سعودی علیه مقاومت شامل چهار هدف زیر باشد:

اول: در تنگنا قرار دادن حزب الله از هر طرف و خطرناک معرفی کردن آن به جهانیان به گونه ای که فضایی برای هم پیمانی بین المللی علیه آن شبیه ائتلاف بین المللی علیه داعش فراهم شود.

در این صورت اسرائیل یکی از اعضای این هم پیمانی خواهد بود در نتیجه دیگر در هر جنگ احتمالی علیه حزب الله به تنهایی بار واکنش های این حزب را به دوش نخواهد کشید.

*** تقسیم کار عربستان و اسرائیل علیه حزب الله

برای اجرایی کردن این طرح عربستان و اسرائیل تقسیم کار کرده اند به این ترتیب که عربستان ماموریت معرفی حزب الله به عنوان یک سازمان تروریستی را برعهده گرفت.

در این ارتباط عربستان تکاپوی خود را نخست در سطح داخلی و سپس از طریق شورای همکاری خلیج فارس پیش برد و سپس آن را به نشست وزیران کشور عرب منتقل کرده و اکنون در مترصد است که تلاش های خود را به نشست سران اتحادیه عرب برده و پس از آن نیز در سازمان ملل متحد مطرح کند.

اما ماموریت اسرائیل نیز به نوبه خود شامل محور قرار دادن قدرت و توانمندی های حزب الله و خطر و تهدید آن برای اسرائیل و منطقه است.

اسرائیل در همین راستا تلاش کرده است حزب الله را خطر اصلی علیه خود معرفی کند.

بر این اساس تل آویو روی قدرت هجومی حزب الله و مسائلی نظیر برخورداری آن از 41 هزار رزمنده با مهارت های عالی و یکصد هزار موشک با بُردهای متفاوت از 10 تا 350 کیلومتر مانور می دهد.

دوم: متشنج کردن اوضاع امنیتی داخلی لبنان و گشودن جبهه های مختلف در این کشور علیه حزب الله و قطع کردن راه تکاپوی حزب و نیز راههای کمک رسانی متقابل به آن.

در این زمینه باید به شدت یافتن لحن و سخنان سیاسی علیه حزب الله و یا اخبار مربوط به وارد کردن محموله های سلاح به لبنان اشاره کرد که نمونه آن خبر توقیف یک کشتی حامل سلاح در یونان بود که از ترکیه راهی لبنان شده بود و گفته شد حامل شش هزار قبضه تفنگ شکاری پیشرفته با 45 تن مهمات و مواد منفجره بود.

همچنین لغو کمک عربستان به ارتش لبنان تا حدودی در این راستا جا دارد و هدف از آن تضعیف توان نظامی لازم ارتش لبنان برای حفظ امنیت و ثبات کشور در صورت بروز اختلال در آن است.

سوم: وارد شدن به جنگ علیه حزب الله با تشکیل ائتلاف بین المللی گسترده برای مقابله با این حزب شبیه ائتلاف هایی که در سه دهه گذشته معروف شدند از جمله ائتلاف برای آزاد سازی کویت از اشغال صدام تا ائتلاف ادعایی آمریکا علیه داعش.

*** نقشه جنگ فرسایشی طولانی مدت علیه حزب الله

به عقیده حامیان طرح صهیونیستی- سعودی این ائتلاف می تواند حزب الله را وارد جنگ فرسایشی طولانی مدتی کرده و بار سنگینی را بر آن تحمیل کند به گونه ای که اگر نیروهای متحد آن موفق به ریشه کن کردن این مشکلات نشوند، این حزب فروخواهد پاشید.

چهارم: مانع تراشی در هرگونه راهکار سیاسی در سوریه از طریق کارشکنی و طرح شروط محال تا به این ترتیب دوره باقی مانده ریاست جمهوری باراک اوباما نیز سپری شود بدون اینکه هیچ توافقی در خصوص سوریه به ثمر برسد.

*** اسرائیل و عربستان در انتظار پیروزی جمهوری خواهان در آمریکا

این اقدامات برخاسته از امیدوار بودن به پیروزی جمهوری خواهان در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا است زیرا در این صورت کار با آنان در خصوص پرونده سوریه و به عبارت بهتر مقاومت و حزب الله راحت تر خواهد بود.

بر این اساس می توان به مانع تراشی همیشگی «عادل الجبیر» وزیر خارجه سعودی در قبال روند حل و فصل سیاسی در سوریه و پافشاری بر موضوع ریاست جمهوری سوریه یا همان برکناری بشار اسد پی برد.

به هر حال نقشه جنگ صهیونیستی- سعودی علیه حزب الله که اسرائیل آن را طراحی کرده و عربستان مجری آن است با تمام پشتوانه های مالی و سیاسی و رسانه ای که از آن برخوردار است، اکنون فقط مرحله نخست آن به اجرا در آمده است به گونه ای که حامیان آن به ویژه سعودی ها آن را روزنه رهایی از تنگنای راهبردی که در آن گرفتار شده اند، می بینند.

اما به نظر می رسد که این نقشه ریسمان نجات طراحان و مجریان آن نخواهد بود و اجرای آن از مرحله نخست فراتر نمی رود. *** طرح صهیونیستی- سعودی شانس موفقیت ندارد

نکته قابل ملاحظه اینکه موفقیت این طرح و تکمیل شدن آن بعید به نظر می رسد زیرا تحولات میدان سوریه و نیز روند تحولات منطقه ای به اضافه نقشه روابط کشورها و تغییرات بین المللی به گونه ای است که نشان می دهد این نقشه جنون آمیز شانس موفقیت ندارد.

در این خصوص کافی است شکست های پی در پی نقشه های عربستان از عراق تا سوریه و یمن و از آنجا در لبنان را به خاطر داشته باشیم و فراموش نکنیم که ناکامی های عربستان دامن ائتلاف موسوم به ائتلاف عربی علیه یمن و سپس ائتلاف به اصطلاح اسلامی را نیز گرفت و پس از آن نیز برخی کشورهای عربی مخالفت خود را با بیانیه نشست وزیران کشورهای عرب را نیز نباید از یاد ببریم.

جنون عربستان به پیروزی منتهی نخواهد شد اما اسرائیل در هر حال خود را پیروز می داند زیرا برای آن همین بس که عربها به عادی سازی روابط با آن رو آورده و در کنار او در صف دشمنی علیه حزب الله قرار گرفته اند چرا که اسرائیل حزب الله را خطر اصلی می داند که آن را ناچار کرد 80 درصد از درآمد ملی خود را به مسائل امنیتی و دفاعی اختصاص دهد.

*** خطر فراموش شدن آزادی فلسطین

اما خطرناک ترین بخش این نقشه تشکیل ائتلاف عربی- اسرائیلی است که می تواند موجب بسته شدن صفحه فلسطین و آزادی آن و در نتیجه رها کردن آن از سوی عربها باشد.

اما در مورد حزب الله نیز باید گفت که این حزب برای هر اقدامی واکنش مناسب خواهد داشت تا با استفاده از آن پیروزی را که شایسته و لایق آن است برای ملت مقاوم به ارمغان آورد.